

انگیزش و یادگیری

سیدمحمدرضا موسوی نسب

چکیده

«انگیزش» عاملی است که رفتار مشخصی را تحریک و هدایت می‌کند و پاسخی است به این سؤال که اساس یادگیری علم چیست؟ روان‌شناسان برای انگیزش اهمیت بیشتری نسبت به هوش قائل می‌شوند. آنان انگیزش را حاصل عواملی مانند مشوق‌ها، نیازهای درونی، کنجکاوی، برانگیختگی و علت‌هایی می‌دانند که فرد برای رویدادها و نتایج اعمال می‌کند. در این مقاله، به عوامل بنیادین مؤثر بر انگیزه از قبیل فرهنگ، خانواده، معلم، ویژگی‌های یادگیرنده، جو کلاس و متغیرهای آموزشی اشاره و به دنبال آن، به اصل انگیزش در سیره معصومان علیهم‌السلام پرداخته می‌شود. در پایان، برخی راه‌کارهای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان بیان می‌گردد. کلید واژه‌ها: انگیزش، یادگیری، مشوق، معلم، خانواده، فرهنگ، سلسله مراتب نیازها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایه‌های جامع علوم انسانی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
دریافت: ۸۷/۶/۱۲ - پذیرش: ۸۷/۱۱/۰۱

مقدمه

چه عاملی دانش‌آموز را وادار به یادگیری می‌کند؟ چرا دانش‌آموزان با توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم، پیشرفت تحصیلی بسیار متفاوتی دارند؟ چرا بسیاری از دانش‌آموزان با وجود توانایی و ظرفیت یادگیری، ترک تحصیل می‌کنند؟ چرا برخی از معلمان پس از مدتی از حرفه خود احساس نارضایتی می‌کنند؟

درباره یادگیری شرایط بسیاری مطرح شده است. برخی از آنها، که بیشتر مورد توجه هستند، عبارتند از: شخصیت و توانایی‌های دانش‌آموز، آمادگی، انگیزه، تجارب گذشته، موقعیت و محیط یادگیری، روش تدریس معلم، رفتارهای آموزگار، تأثیر تمرین و تکرار، خصوصیات تکالیف خاص یادگیری، مشوق‌ها و... انگیزش میان همه عوامل مؤثر بر یادگیری، اهمیت بیشتری دارد تا آنجا که گفته شده است، سه عامل مهم در یادگیری عبارتند از: ۱. انگیزش؛ ۲. انگیزش؛ ۳. انگیزش.^۱

نقش انگیزش در یادگیری

بسیاری از معلمان ویژگی‌های دانش‌آموزان خوب را در خصوصیات نظیر سخت‌کوشی، همکاری و علاقه‌مندی می‌دانند و بعضی از آنان این ویژگی‌ها را به داشتن انگیزش دانش‌آموز منحصر می‌کنند. بسیاری از معلمان از دانش‌آموزان سخت‌کوشی صحبت می‌کنند که ترم تحصیلی را آهسته، ولی پیوسته به پایان می‌رسانند.^۲

پژوهش‌ها نیز نشان داده است که، انگیزش دانش‌آموزان در یادگیری اهمیت مطلوب‌تری در مقایسه با هوش دارد. همچنین درباره تأثیر انگیزش بر یادگیری،

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انگیزش قوی به یادگیری استوار، و انگیزش کم به یادگیری کم می‌انجامد.^۳ در واقع انگیزش، موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است و میزان یادگیری دانش‌آموزان را به حداکثر می‌رساند.

دانش‌آموز بی‌انگیزه نه تنها رغبتی به درس خواندن و یادگیری نشان نمی‌دهد، بلکه با بی‌تفاوتی و بی‌توجهی خود چه بسا برای کارکردن دانش‌آموزان دیگر در کلاس نیز مزاحمت ایجاد می‌کند. در این مورد، ضرب‌المثلی انگلیسی وجود دارد که می‌گوید: شما می‌توانید اسبی را که تشنه است تا کنار آب بکشانید، اما نمی‌توانید به نوشیدن آب وادارش کنید. مسئله انگیزش در دانش‌آموزان نیز همین گونه است؛^۴ یعنی ما باید دانش‌آموز را تشنه یادگیری کنیم؛ زیرا با این کار خود او به دنبال یادگیری خواهد رفت.

به این نکته باید توجه داشت که هرچند انگیزه در امر آموزش نقش مهمی دارد، این گونه نیست که بدون انگیزه نتوان در فرد یادگیری ایجاد کرد.^۵

در این زمینه آزوبیل می‌نویسد: بین انگیزش و یادگیری رابطه دوسویه است، نه یک سویه؛ لزومی ندارد که فعالیت‌های یادگیری را به تعویق اندازیم تا اینکه علائق و انگیزه‌ها رشد یابند. اغلب بهترین راه برای آموزش به دانش‌آموز بدون انگیزش این است که، حالت انگیزشی او به طور موقت نادیده گرفته شود و تا آنجا که ممکن است، به طور مؤثر به او آموزش داده شود.^۶

با توجه به اهمیت بحث انگیزش در یادگیری در این مقاله می‌کوشیم با تعریف آن، به طرح نظریه‌های موجود در این حوزه پردازیم و برخی از راهکارهای ایجاد انگیزه در یادگیری مبتنی بر این نظریه‌ها را اشاره خواهیم کرد.

تعریف انگیزش

«انگیزش» اسم مصدر از «انگیزیدن» بوده و در لغت به معنای «تحریک»، «ترغیب»، «تحریض» و «هیجان» آمده است. در تعریف انگیزش آمده است:

واژه انگیزش در انگلیسی از کلمه لاتین Mover گرفته شده است. این اصطلاح همان گونه که از معنای رایج آن برمی آید، به علت و چرایی رفتار اشاره دارد.^۷

انگیزش را می توان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد.^۸ به زبان ساده، انگیزش چیزی است که فرد را به پیش رفتن وا می دارد؛ در حال پیش رفتن نگر می دارد و تعیین می کند که به کجا باید رفت.^۹

روانشناسان، انگیزش را عامل درونی می دانند^{۱۰} که رفتار شخص را تحریک می کند و در جهت معین سوق می دهد و آن را هماهنگ می سازد. این نکته نیز مورد اتفاق است که انگیزه، سازه ای است که به طور مستقیم قابل مشاهده و اندازه گیری نیست، ولی وجود آن از رفتار شخص استنباط می شود.

اصطلاح انگیزه، اغلب با انگیزش مترادف به کار می رود. با این حال، می توان انگیزه را حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتاری معین می شود، تعریف کرد. به دیگر سخن، انگیزه اصطلاحی دقیق تر از انگیزش است. انگیزش عمل کلی مولد رفتار به شمار می رود، اما انگیزه حالت اختصاصی رفتار خاص است.^{۱۱}

نظریه های انگیزش در یادگیری

چون انگیزش نیز مانند بسیاری از مفاهیم روان شناسی، مفهومی انتزاعی است، طبیعی است که صاحب نظران در مورد اهمیت و انواع آن اتفاق نظر نداشته

باشند؛^{۱۲} به همین دلیل، نظریه‌های معروف روان‌شناسی، یعنی نظریه رفتاری، نظریه شناختی، نظریه انسان‌گرایی رویکرد اجتماعی، هر یک درباره انگیزش توجیه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. در اینجا، به اظهار نظرهای این سه نظریه درباره انگیزش اشاره می‌کنیم:

رویکرد رفتاری نگر به انگیزش

رفتارگراها کوشیده‌اند بدون سازه فرضی، ارتباط سببی و کارکرد بین عوامل عینی مشاهده شده (محرک و پاسخ) را مشخص کنند. بعدها این فرضیه ارائه شد که بین محرک و پاسخ یک متغیر فرضی رابط یا متغیر ارگانیزمی وجود دارد. رفتارگرایان در توجیه خود از انگیزش آن را حاصل عوامل بیرونی می‌دانند. به همین دلیل از انگیزش بیرونی سخن گفته‌اند. انگیزش بیرونی به انگیزشی اطلاق می‌شود که حاصل عوامل بیرونی از خود یادگیرنده است. چشم‌انداز رفتاری بر پاداش و تنبیه‌های بیرونی به صورت کلید تعیین انگیزش دانش‌آموز، تأکید می‌کند.

مشوق‌ها، محرک‌ها یا رویدادهای مثبت یا منفی هستند که می‌توانند رفتار دانش‌آموز را برانگیزند. مدافعان استفاده از مشوق‌ها تأکید می‌کنند که آنها علاقه یا هیجان را به کلاس می‌افزایند و توجه را به رفتار مناسب معطوف می‌کنند و از رفتار نامناسب باز می‌دارند. این مشوق‌ها در کلاس درس می‌تواند نمره‌های عددی، رتبه‌ای، دادن جوایز و پیشرفت یا اجازه برای انجام فعالیتی خاص باشد. چنانکه می‌دانیم، رفتاری که تقویت شود احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد.

تجربین معلم، چهره‌ها و نمره‌های خوبی که به کارهای مورد قبول شاگردان می‌دهد، همگی پاداش‌هایی هستند که احتمال افزایش آن رفتار یعنی ارائه کار قابل

قبول را فراهم می‌کنند.^{۱۳} از آنچه گفته شد، به دست می‌آید که اثربخش بودن رویکرد رفتاری به انگیزش قوی، به تقویت کننده‌ای مؤثر وابستگی دارد.

نظریه انسانی‌نگر به انگیزش

انگیزش از دیدگاه انسان‌گرایی، نیرویی فعال تلقی می‌شود که موجب می‌شود همه انسان‌ها رشد کنند و تحول یابند. انگیزش چیزی بیرونی نیست که معلم برای دانش‌آموز یا کلاس انجام می‌دهد، بلکه پرورش تمایل مثبت از پیش موجود و فراهم کردن امکان رشد، توسعه و یکپارچه کردن تجربه‌هایی تازه است. هر فردی دارای یک (اصل نمو)^{۱۴} درونی است که همه رفتارهای انسان را هدایت می‌کند و به آن نیرو می‌دهد.^{۱۵}

دو عنصر از عناصر آموزش یادگیری برای انسان‌گراها اساسی است. این دو عامل عبارتند از: رابطه شاگرد - معلم و جو کلاسی... معلمان حمایت‌گر و دلسوز معتقدند که دانش‌آموز فردی مهم است، و مطالب درسی را به گونه‌ای به وی ارائه می‌دهند که برای هر دانش‌آموز شخصا معنادار باشد و در هر کاری که در کلاس می‌کنند، رفاه عاطفی دانش‌آموزان را در نظر می‌گیرند.^{۱۶}

انگیزش به صورت سلسله‌مراتبی از نیازها

در رویکرد انسان‌گرایانه، چون بر رشد توانایی‌های فرد و آزادی انتخاب سرنوشت تأکید می‌شود، ارضای نیازهای اساسی مهم‌ترین انگیزه رفتاری است. مهم‌ترین نیازهای اساسی بر اساس طبقه‌بندی مزلو عبارتند از:

نیازهای فیزیولوژیکی: گرسنگی، تشنگی و خواب؛

نیاز به ایمنی: اطمینان از بقا، مانند محافظت شدن از جنگ و جنایت؛

نیاز به عشق و تعلق: ایمنی عاطفه و مورد توجه دیگران بودن؛

نیاز به احترام: احساس خوب درباره خود داشتن؛
و نیاز به خودشکوفایی و تحقق توانایی‌های خود می‌باشد.
مطابق با تقسیم مزلو بالاترین نیاز (نیاز به خودشکوفایی)، زمانی رخ می‌دهد
که نیازهای سطح پایین تا حدی ارضا شده باشند. اما دیده شده در بسیاری از
اوقات این نیازها بدون ترتیب مطرح شده، ارضا می‌شوند. برای مثال، برخی
دانش‌آموزان نیازهای شناختی‌شان برآورده شده، در حالی که نیاز به عشق و تعلق
را تجربه نکرده‌اند.^{۱۷}

رویکرد شناختی به انگیزش

برخلاف نظریه‌های رفتاری، روان‌شناسان شناختی انگیزش را پاسخی در برابر
نیازهای درونی در نظر می‌گیرند. بنابراین، از انگیزش درونی سخن می‌گویند.
انگیزش درونی عبارت است از: پاسخی که به نیازهای درون‌یادگیرنده از قبیل
کنجکاوی، نیاز به دانستن و احساس قابلیت و رشد داده می‌شود.

انگیزش پیشرفت

یکی از نیازهایی که پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده، نیاز به
پیشرفت یا انگیزه پیشرفت است. گنج و برلایر انگیزه پیشرفت را به صورت میل
یا علاقه به کامیابی کلی یا کامیابی در زمینه فعالیت خاص تعریف کرده‌اند.
پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد از لحاظ این نیاز با هم تفاوت بسیاری دارند.
بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران و در کارهای خود،
برای کسب پیروزی به سختی می‌کوشند. بعضی دیگر، انگیزه چندانی به پیشرفت و
پیروزی ندارند و از ترس شکست، آماده خطرکردن برای کامیابی نیستند.^{۱۸}

انگیزش پیشرفت به عنوان تعریف شده است که به یادگیری تکالیف درسی سرعت می‌بخشد تا شخص با کیفیت یافتن و کامیابی، افتخار کسب کند. نیاز به پیشرفت، با انگیزه پرهیز از شکست تعدیل می‌شود.^{۱۹}

نظریه برانگیختگی

اصطلاح برانگیختگی به حالت تهییج، توجه یا گوش به زنگ بودن اشاره می‌کند. برانگیختگی از معدود متغیرهای انگیزشی است که برای آن شاخص‌های قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری فیزیولوژیکی وجود دارد. معلم در کلاس درس نقش محرک را بازی می‌کند و میزان تحریکاتی را که یادگیرندگان دریافت می‌کنند، تا حدودی فراوانی در اختیار دارد. معنادار بودن مطالب، پیچیدگی و سهولت گفتارهای معلم، طرز نگاه کردن و کیفیت نوشته‌های او بر روی تابلو همه به طور مستقیم توجه بر می‌انگیزد. همچنین معلم ممکن است از طریق ارائه مطالب کسل کننده و روش یکنواخت آموزشی، سطح برانگیختگی دانش‌آموزان را پایین آورد. از آنجا که سطح برانگیختگی با معناداری، تازگی و پیچیدگی محرکات نسبت مستقیم دارد، هر نوع تغییر در رفتار معلم، که به افزایش این عامل بیانجامد، توجه دانش‌آموزان را بالا خواهد برد.^{۲۰}

نظریه نسبت‌دادن

نخستین فرض اساسی نظریه اسناد این است که، جست‌وجو برای درک و فهم امور و عامل رویدادها، مهم‌ترین منبع انگیزشی انسان است. نظریه اسناد کوششی است برای ارائه علت یا دلیل وقوع رویدادها یا تجربه‌های شخصی. بنابراین، نظریه اسناد به علت‌هایی که فرد برای رویدادها یا نتایج اعمالش، به ویژه کسب کامیابی یا مواجهه با شکست، بر می‌گزیند اشاره دارد.^{۲۱}

در روان‌شناسی تربیتی، نظریه اسناد می‌کوشد تا تبیین‌های دانش‌آموزان را برای پیروزی و شکست‌های آنان در موقعیت‌های کلاسی به طور نامداری وصف کند. واینر دریافت که اسنادها در الگوهای کلی جای می‌گیرند و افراد تمایل دارند پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به چهار عامل اسناد بدهند: توانایی، تلاش، شانس و دشواری تکلیف. این اسنادها را می‌توان در سه بعد طبقه‌بندی کرد: نخست بُعد مکان کنترل که می‌تواند درونی یا بیرونی باشد، به معنای اینکه علت درون یادگیرنده است یا بیرون از او.

بُعد دوم، بُعد پایداری است که معنای درجه ثبات در طول زمان یا قابلیت تغییر آن است. تأثیر نخست بعد ثبات بر انتظار فرد از راه‌های اعمال فرد در آینده است.

بُعد سوم، بُعد قابلیت کنترل است و از میزان کنترلی حکایت می‌کند که دانش‌آموز بر موقعیت یادگیری دارد؛ یعنی قابل کنترل یا غیر قابل کنترل بودن موقعیت یادگیری.^{۲۲}

افراد از لحاظ اعتقاد به مکان کنترل به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به شخص خود و گروه دیگر که پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به عوامل محیط بیرون از خود نسبت می‌دهند. گروه اول، افراد دارای منبع درونی کنترل نامیده شده‌اند و گروه دوم، افراد دارای منبع بیرونی کنترل نام گرفته‌اند. افراد دارای منبع درونی کنترل، که معتقدند رویدادهای مثبت زندگی، در نتیجه نقشه‌ریزی دقیق و کوشش پیگیر خود آنان به دست می‌آید. بدین جهت، برای هرگونه عمل و رفتار خود و پیامدهای ناشی از آن مسئولیت می‌پذیرند. برای مثال، دانش‌آموز دیر رسیدن به مدرسه را به دیر خارج شدن از خانه نسبت می‌دهد، نه به عوامل مبهم بیرونی. از سوی دیگر، افراد دارای منبع

بیرونی کنترل، بین رفتار خود و رویدادها هیچ‌گونه رابطه علت و معلولی نمی‌بینند و بخت و اقبال، تصادف یا اشخاص دیگر را مسئول کنترل نتایج رفتار خود می‌دانند. در نتیجه، برای اعمال و رفتار خود مسئولیت نمی‌پذیرند و مثلاً نمره کم خود را به غرض‌ورزی معلم نسبت می‌دهند. چون افراد دارای منبع بیرونی کنترل، بر این باورند که رفتارها و مهارت‌های خود آنان بر تقویت‌هایی که دریافت می‌کنند چنان تأثیری ندارد، برای کوشش‌های خود ارزشی قایل نمی‌شوند. آنها به کنترل زندگی خود به دست خویش در حال و آینده ایمانی ندارند. در مقابل، کسانی که معتقد به منبع درونی کنترل هستند، بر این باورند که کنترل زندگی خود را شخصاً در دست دارند و برای مهارت‌ها و توانایی‌های خود ارزش قایل می‌شوند.

یکی دیگر از پیامدهای نسبت دادن‌های علی درباره منابع درونی و بیرونی کنترل، رابطه آن با احساس احترام به خود یا عزت نفس است. پیامدهای مثبت رفتار که به علت‌های درونی چون توانایی و کوشش نسبت داده می‌شود، در شخص احساس غرور و عزت نفس یا اعتماد به خود ایجاد می‌کند. اما توفیقی که به علل بیرونی چون بخت و اقبال یا کمک دیگران نسبت داده می‌شود، احساس غرور و اعتماد به خود ایجاد نمی‌کند. مهم‌ترین عامل تعیین کننده برای فرد در انتخاب توانایی یا فقدان آن به صورت اسناد تاریخیچه گذشته فرد از پیروزی‌ها و شکست‌های او است.^{۲۳}

تحقیقات انجام شده درباره کندآموزان و عقب‌ماندگان خفیف نشان می‌دهد که، آنها به خود سرزنش‌گری در برابر شکست تمایل دارند و در مورد پیروزی، استنادهای بیرونی و ناپایدار می‌دهند. آنها باور ندارند که کوشش‌هایشان عامل کامیابی آنها و عدم تلاش آنها علت شکست‌شان بوده است. برعکس،

دانش‌آموزان موفق، توفیق خود را به علل درونی و پایدار اسناد می‌دهند. آنها معتقدند که باهوشند و وقتی کار و تلاش می‌کنند، موفق می‌شوند. اگر شکست بخورند، ممکن است اسناد بیرونی بدهند. برای مثال، اینکه آزمون دشوار بوده است یا اسناد درونی بدهند؛ نظیر آنکه به اندازه کافی کوشش نکرده‌اند. این گونه اسنادها و واکنش‌های مطلوبی هستند که به‌طور معمول به تلاش فزاینده و تلاش فزاینده به پیشرفت و مباحثات و احساس کنترل می‌انجامد.

اداراک‌های فردی دانش‌آموزان از کامیابی، در بطن نظریه اسناد و گونگونی‌های آن نهفته است. اگر تلاش را عامل پیروزی و پیشرفت بدانند، انگیزش آنها افزایش می‌یابد. برعکس، اگر احساس کنند که فقدان توانایی دلیل شکست آنان بوده و توانایی پایدار و غیر قابل کنترل است، انگیزش کاهش می‌یابد. دشواری تکلیف نیز واکنش یادگیرنده‌ها را درباره پیروزی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر کامیابی در یک تکلیف آسان به دست آید، احساس مباحثات درباره کامیابی کاهش می‌یابد. اما در صورتی که دانش‌آموزان تصور کنند تکالیف چالش‌انگیز بوده و تلاش آنها در پیروزی‌شان مؤثر بوده است، احساس مباحثات در آنان افزایش می‌یابد.

کار معلم و مربی آن است که، کامیابی شاگردان را افزایش دهند و در عین حال، به دانش‌آموزان کمک کنند تا به این نتیجه برسند که نتایج توفیق‌آمیز آنها حاصل کار و تلاش سخت خودشان بود است.

درباره دانش‌آموزانی هم که شکست خورده‌اند و شکست خود را به عوامل غیر قابل کنترل و پایدار اسناد می‌دهند، مربیان می‌توانند برنامه‌های بازآموزی اسنادی طراحی کرده، بکوشند تا اسناد آنها را از عوامل غیر قابل کنترل به عواملی قابل کنترل تغییر دهند. تحقیقات قابل توجهی در این زمینه انجام گرفته که مؤثر بودن روش‌های بازآموزی اسنادی را نشان داده‌اند.

مشکل بزرگ آموزش معلمان، وجود دانش‌آموزانی است که دارای مفهوم خود سطح پایین هستند که از شکست‌های پیاپی آنان در یادگیری ناشی شده است. این دانش‌آموزان بین پیروزی‌ها و اعمال خود رابطه نزدیکی نمی‌بینند و شکست خود را به فقدان توانایی نسبت می‌دهند. این اعتقاد که نتایج اعمال آنها مستقل از اعمال آنها است، به درماندگی آموخته شده می‌انجامد. این نوع اسنادها ناسازگارند و باید آنها را تغییر داد. هدف برنامه‌های آموزشی تغییر دادن اسنادهای ناسازگار این است که روند ذیل تغییر کند.

رویکرد اجتماعی

افراد در نتیجه نیاز به پیوندجویی یا وابستگی، به برقراری رابطه با دیگران می‌پردازند. نیاز به پیوندجویی در دانش‌آموزان آنها را برمی‌انگیزد تا اوقاتی را با دوستان همسالان معلمان والدین صرف کنند. ایجاد روابط بین فردی خصوصاً رابطه مثبت با معلم می‌تواند در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز مؤثر باشد.

راهکارهای مقابله با مشکل کمبود انگیزش یادگیری

انگیزش از دیدگاه‌های گوناگون مورد بحث قرار داده شد. روشن است که هیچ یک از آنها به طور کامل و جامع پاسخگوی مسأله انگیزش نیست. هر کدام ویژگی‌های مهمی دارد که به انگیزش کمک می‌کند.

در این بخش، ضمن اشاره به عناصر کلی در ایجاد انگیزش، کاربردی‌ترین عناصر قابل استفاده از دیدگاه‌های مطرح می‌شود.

عناصر بنیادی فرهنگ، جامعه و خانواده، ویژگی‌های معلم و یادگیرنده و متغیرهای مربوط به جو کلاسی و متغیرهای آموزشی به طور کلی در انگیزش

دانش‌آموزان تأثیرگذارند. وقتی این عناصر به صورت کامل به کار روند، انگیزش دانش‌آموز می‌تواند به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

عوامل بنیادی مؤثر بر انگیزه

فرهنگ

هنگامی که مذهب، افسانه‌ها، ادبیات عامیانه، قوانین مدنی در مورد تعلیم و تربیت، موقعیت حقوق معلمان و انتظارات والدین از فرزندان در مدرسه و نقش آنها در ارتباط با مدرسه همه بر اهمیت و ارزش دانش و دانش‌آموزی و پیشرفت علمی تأکید داشته باشند و اگر یادگیری و پیشرفت در مدرسه به صورت فضیلت شخصی مهم و موضوع معنوی تلقی شود و این امر واکنش مثبتی از سوی سایر دانش‌آموزان و خانواده داشته باشد، ترویج این فرهنگ می‌تواند یادگیرندگان را در پوییدن راه دانش با انگیزه سازد.

خانواده

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که والدین، مهم‌ترین عامل مؤثر بر انگیزه فرزندان برای یادگیری هستند. نقش آنان در برانگیختن فرزندانشان به یادگیری در هر مرحله از رشد غیر قابل انکار است؛ به طوری که این تأثیر تا سال‌های دبیرستان و فراتر از آن ادامه دارد.^{۲۴}

خانواده‌هایی کارآمد، نگرش مثبتی به فرزندانشان می‌دهند که این به کامیابی آنها در مدرسه و زندگی کمک می‌کند. کلارک و یژگی‌های ذیل را به خانواده‌های کارآمد نسبت می‌دهد:

۱. احساس کنترل بر زندگی خویش؛

۲. ابراز انتظارات و توقعات بالا و بجا برای فرزندان (امید خانواده به کامیابی آینده آنها)؛
۳. اعتقاد به این که سخت‌کوشی کلیدی برای پیروزی است؛
۴. شور زندگی فعال نه راکد و ساکن؛
۵. استفاده از امکانات اجتماع؛
۶. ۲۵ تا ۳۵ ساعت یادگیری در خانه در هفته؛
۷. بیان قواعد روشن و پیگیری اجرای آن؛
۸. تماس پیاپی با معلمان؛
۹. تأکید بر رشد معنوی.^{۲۵}

معلم

معلمان، محیط آموزش را فراهم و آموزش را اعمال می‌کنند. جهت‌گیری آنها درباره تدریس و یادگیری چارچوبی فراهم می‌کند که انگیزش کلاسی در آن چارچوب تحقق می‌یابد. اگر معلمان، فاقد ویژگی‌های لازم یعنی الگودهی، علاقه‌مندی، گرمی و هم‌حسی و انتظارات مثبت باشند، هیچ یک از عناصر یادگیری نمی‌تواند چندان مفید و مؤثر باشد. در ادامه، هر یک از این ویژگی‌ها توضیح داده می‌شوند.

الگودهی معلم

رفتار معلم به خودی خود تأثیر مهمی بر رفتار دانش‌آموزان دارد. اگر معلمان به مطالبی که تدریس می‌کنند، بی‌علاقگی و بی‌رغبتی نشان دهند، ایجاد انگیزه در شاگردان عملاً غیر ممکن خواهد بود. ذکر عبارت‌هایی نظیر «من می‌دانم این

مطلب کسالت‌آور است؛ ولی ما مجبوریم آن را یاد بگیریم» هیچ هدف مفیدی را دنبال نمی‌کند و برای انگیزش هم بسیار مخرب است.

علاقه‌مندی معلم

علاقه‌مندی و دلسوزی معلم به صورت الگو، تأثیر بسیار مثبتی در جلب علاقه شاگردان به مطلب دارد. این علاقه‌مندی از طریق رفتارهای کلامی و هم رفتارهای غیر کلامی به شاگردان منتقل می‌شود.

گرمی و هم‌حسی

«تدریس» عبارت از فعالیت انسانی است که در آن، انسان‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در این سطح است که گرمی و هم‌حسی معلم تا این حد در تحت تأثیر قرار دادن انگیزش کلاسی مهم است. بهترین راهی که می‌توان گرمی و هم‌حسی را منتقل کرد، صرف زمان است. قدم زدن در حیاط و صحبت با دانش‌آموزان، با اظهار نظر معمول درباره لباس شاگرد، علاقه و توجه معلم را به او نشان می‌دهد.^{۲۶}

انتظارات معلم

انتظارات معلمان در مورد پیشرفت درسی دانش‌آموزان به شکل ظریفی هر روز در کلاس به دانش‌آموزان منتقل می‌شود. این انتظارات هم به صورت کلامی و هم به صورت غیر کلامی انتقال می‌یابد و فضای کلاس، انگیزش دانش‌آموزان و سرانجام یادگیری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهند انتظارات معلمان واقعاً ادراک‌ها و پیشرفت تحصیلی شاگردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باور داشتن به اینکه دانش‌آموزان می‌توانند یاد بگیرند و یاد خواهند گرفت، متغیر کلیدی است که معلمان باتوان را از معلمان ناتوان و ناکارآمد متمایز می‌کند. متأسفانه معلمان اغلب تبعیض قائل می‌شوند و با دانش‌آموزانی که معتقدند پیشرفت خوبی دارند، رفتاری مساعدتر و مطلوب‌تر

دارند تا با دانش‌آموزانی که در انتهای ضعیف طیف پیشرفت قرار دارند. دانش‌آموزان نسبت به این رفتارهای متفاوت حساسند.^{۲۷}

مشکل کمبود انگیزش یادگیری دانش‌آموزان، با کمبود علاقه آنان به یادگیری موضوع‌های تازه ناشی از شکست‌های پی در پی قبلی در درس‌های مشابه درس جدید است. بنابراین، مهم‌ترین راه رفع مشکل این است که سطح رفتارهای ورودی شناختی دانش‌آموزان را بالا ببریم و کیفیت آموزش را نیز بهبود بخشیم. این اقدام‌ها سبب افزایش یادگیری و کسب کامیابی از سوی دانش‌آموز در درس‌های تازه خواهد شد. این کامیابی موجب می‌شود که یادگیرنده به تدریج به تصویری مثبت‌تر از توانایی‌های خود درباره یادگیری آموزشگاهی دست یابد. اگر این جریان در چند واحد یادگیری ادامه یابد، از تصورات منفی دانش‌آموز درباره توانایی‌اش در زمینه یادگیری مطالب آموزشگاهی کاسته می‌شود و به جای آن تصورات مثبت‌تری از این مورد کسب خواهد کرد که این خود علاقه و انگیزه یادگیری او را افزایش می‌دهد.^{۲۸}

یادگیرنده

آموختن در بسیاری جهات مثل کشت و کار است. هر دو به بستر رشد نیازمندند. معلم نمی‌تواند بیش از توان و تلاش دانش‌آموزان به آنها چیزی بیاموزد. تا دانش‌آموز انگیزه یادگیری نداشته باشد، جریان آموزش به راحتی انجام نمی‌گیرد. پرسش این است که، دانش‌آموز خوب و سالم و با انگیزه چه جلوه‌ای دارد؟

ویژگی دانش‌آموزان با انگیزه

دانش‌آموزان با انگیزه به درس توجه کامل دارند؛ زیرا به آنچه گفته می‌شود، علاقه‌مندند؛ انگیزه درونی دارند و فرایند یادگیری را خوشایند می‌یابند. فراوان

می‌پرسند؛ در بحث‌های کلاسی شرکت دارند؛ یادگیرندگان خود تنظیمی هستند و تکالیف تعیین شده را با دقت و به موقع انجام می‌دهند و می‌دانند که مسئولیت اصلی یادگیری برعهده خودشان است. برای تلاش ارزش قائلند. مسائل را به خوبی حل می‌کنند و می‌دانند چگونه از منابع استفاده کنند. معلم را وامی‌دارند که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های آنها به منابع اضافی مراجعه کند و اطلاعات خود را افزایش دهد. نمره‌های خوبی می‌گیرند؛ اما این نمره‌ها را مختصر اطلاعی از کیفیت یادگیری می‌دانند، نه ملاک تلاش و توان خود. عموماً ارزش‌های خانواده و مدرسه خویش را درباره یادگیری می‌پذیرند. گاهی نگران می‌شوند و در مورد برخی امتحانات دلشوره دارند. افت در یادگیری خویش را آگاهی از وضع خود تلقی می‌کنند، نه شکست در یادگیری.^{۲۹}

جو کلاسی

«جو کلاسی» به آن دسته از ویژگی‌های معلم و دانش‌آموزان اطلاق می‌شود که احساس ایمنی و امنیت و همین‌طور حس درک و تلاش را در دانش‌آموزان بالا می‌برد. جو کلاس از این نظر مهم است که، به فراهم کردن محیط مهرآمیز پرورش دهنده برای یادگیری بر پیشرفت و احساس رضای خاطر دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های این جو عبارتند از:

۱. نظم و ایمنی

نظم و ایمنی در کلاس، هم برای انگیزش عمومی و هم برای انگیزش اختصاصی یادگیری ضرورت دارد. مدارس باید از نظر فیزیکی و روانی محیط‌های سالمی باشند تا شاگردان بتوانند در آنها چیزی یاد بگیرند و دیدگاه‌های شناختی و انسان‌گرایی هر دو دلیل و منطق اساسی برای این عنصر را فراهم می‌کنند. یک راه برای ایجاد محیط ایمن و دارای نظم این است که نظامی از قواعد را به کار گیرند

که به روشنی بیان شده و منصفانه اجرا شوند. قواعد مطابق با موقعیت‌های معلم تغییر می‌یابند. یک قاعده مهم که باید مورد نظر قرار گیرد، این است که دانش‌آموز همواره باید از خندیدن، ریشخند کردن، تحقیر کردن و خلاصه هر نوع آزار همکلاسان خود در تمام موقعیت‌ها پرهیزد. شکستن این قاعده باید در کلاس گناه کبیره تلقی شود. اعمال مداوم آن نه تنها احساس ایمنی ایجاد می‌کند، بلکه به ایجاد جوی که در آن دانش‌آموزان از یکدیگر حمایت کنند، کمک خواهد کرد.

۲. کامیابی

انتظار کامیابی مهم‌ترین متغیر جو کلاسی است. اهمیت آن تا حدودی به وسیله انتظار و ارزش تعیین می‌شود. کامیابی به احساس کفایت، کنترل و خود کارآمدی می‌انجامد که خود نیز به تلاش فزاینده منجر می‌شود. تلاش بیشتر، اسنادهای مثبت برای کامیابی بیشتر را افزایش می‌دهد. همه اینها حرمت نفس را بهبود می‌بخشد. انگیزش باز هم افزایش می‌یابد و این چرخه مثبت ادامه خواهد یافت.

متغیرهای آموزشی

معلم و جو کلاس بر انگیزش عمومی برای یادگیری تأثیر می‌کنند تا چارچوبی فراهم آورند که معلم در آن چارچوب بتواند درس‌هایی انگیزه‌آفرین طراحی کند. یک دیدگاه درباره انگیزش اختصاصی برای یادگیری بر میزان توجهی که دانش‌آموز صرف تکلیف می‌کند و میزان درگیر شدن او در کار یادگیری متمرکز است. این بدان معنا است که، در آغاز باید توجه دانش‌آموزان را به نحوی جلب موضوع درس کرد. در این فرایند، آغاز درس بسیار حیاتی است و برای یادگیری و انگیزش هر دو اهمیت دارد. وقتی فعالیت یادگیری مستقیماً و شخصاً به دانش‌آموزان ربط داشته باشد و وقتی تقویت به حفظ توجه کمک کند، درگیر

شدن و توجه شاگرد افزایش می‌یابد. همین عوامل متغیرهای اصلی آموزشی هستند که سبب افزایش انگیزش اختصاصی برای یادگیری می‌شوند.

تمرکز مقدماتی

تمرکز مقدماتی اصطلاحی است که برای وصف روش معلم، در جلب توجه شاگردان در آغاز آموزش به کار می‌رود. دانش‌آموزان به وسیله رویدادهای منحصر به فرد، جذاب، چشمگیر یا غیر معمول برانگیخته می‌شوند؛ زیرا این گونه رویدادها حس کنجکاوی و چالش را در آنها تحریک می‌کند.

شخصی کردن

شخصی کردن، تغییری آموزشی است که محتوای درس را با استفاده از مثال‌های فکری یا عاطفی آشنا معنادارتر می‌کند. ارزش شخصی کردن مطالب از جهات گوناگون قابل درک است.

نخست، بر اساس تجربه‌های ساده در زندگی، همه ما می‌دانیم هر چیزی که شخصا به ما ربط داشته باشد، بیشتر به سوی آن جذب می‌شویم. دوم، ربط دادن محتوای مطالب درسی به زندگی دانش‌آموزان، هدف اصلی انسان‌گرایی است.

سوم، برخی از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که معنادار بودن مطالب، یادگیری را افزایش می‌دهد و شخصی کردن یکی از راه‌ها برای معنادار کردن آنها است. هرچه بتوانیم مطالب را به‌طور شخصی ربط بدهیم، برای ما محسوس‌تر از اطلاعات بی‌ارتباط و انتزاعی است.^{۳۰}

توجه به اصل انگیزش در سیره معصومان علیهم السلام

معصومان علیهم السلام می‌کوشیده‌اند انگیزه یادگیری را در مخاطبان خود ایجاد، یا انگیزه موجود را از راه‌های گوناگون افزایش دهند. برخی از این شیوه‌ها عبارت است از:

آگاهی‌بخشیدن درباره جهل

برای این کار، گاه معصومان علیهم السلام افراد را ابتدا به جهلشان آگاه می‌ساختند و پس از اینکه از درون به علم و آگاهی احساس نیاز می‌کردند و از امام آموزش می‌خواستند، امام به آموزش می‌پرداخت. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که حضرت روزی به مسجد آمد. مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گزارد؛ سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و سلام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ او را داد و فرمود: برگرد و نماز را بخوان که نماز نخوانده‌ای. آن مرد نمازش را دوباره خواند و نزد پیامبر آمد و سلام کرد. پیامبر باز فرمود: برگرد و نماز بخوان که نماز نخواندی! تا سه بار پیامبر چنین کرد. آن مرد پس از بار سوم که در مانده شده بود و نمی‌دانست عیب نمازش کجا است، عرض کرد به آن خدایی که تو را به حق برانگیخت، من بهتر از این نماز یاد ندارم تو آن را به من بیاموز...^{۳۱}

تشویق به علم‌آموزی

تشویق‌های مکرر به علم‌آموزی و یادگیری از سوی اهل بیت علیهم السلام، روش دیگری برای ایجاد انگیزه است. در این باره روایات بسیاری نقل شده است که به یکی از آنها اشاره می‌شود: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ایها الناس اعلموا ان کمال الدین طلب العلم و العمل به و ان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال و ان المال مقسوم بینکم، مضمون لکم قد قسمه عادل بینکم و ضمنه سنی لکم به و العلم مخزون علیکم عند اهله، قد امرتم بطلبه فاطلبوه؛ ای مردم بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل به آن است و طلب علم بر شما واجب‌تر از طلب مال است؛ زیرا مال بین شما تقسیم و برای شما تضمین شده

است. عادلی آن را بین شما قسمت و ضمانت کرده و به‌زودی به عهد خود وفا خواهد کرد؛ ولی علم را از شما پوشیده و نزد اهلش انداخته است و به شما دستور داد که به دنبالش بروید و آن را بجویید.^{۳۲}

تشویق و ترغیب دانش‌پژوهان

تشویق و تکریم دانش‌پژوهان، عامل دیگری در ایجاد انگیزه بیرونی است. در این زمینه در روایتی از امام باقر^ع آمده است که فرمود: پدرم زین‌العابدین^ع هرگاه به دانش‌پژوهان جوان برمی‌خورد، به آنان نزدیک می‌شد و می‌فرمود: آفرین بر شما! شما امانت داران علم هستید. امید است شما که اکنون کودکان قوم هستید، در آینده بزرگان قومی دیگر باشید.^{۳۳} این‌گونه برخوردهای معصومان موجب تشویق اصحاب به فراگیری علم و تقویت انگیزه آنان می‌شد.

راهکارهای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان

- * به دانش‌آموزان کمک شود تا نیازهای کمبود خود را برطرف کنند.
- * به دانش‌آموزان کمک شود تا علاقه به پاسخ‌گویی به نیازهای وجود را در خود ایجاد کنند. (ابراز وجود کند)
- * احساس کامیابی در دانش‌آموزان ارتقا یابد.
- * در آغاز درس دانش‌آموزان از اهداف آموزشی آگاه شوند.
- * در موقعیت‌های مقتضی از تشویق‌های کلامی استفاده شود.
- * از آزمون‌ها و نمره‌ها به صورت وسیله‌ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان استفاده شود.
- * از خاصیت برانگیختگی مطالب استفاده شود.
- * از ایجاد رقابت و هم‌چشمی میان دانش‌آموزان جلوگیری شود.

- * هنگام آموزش مطالب تازه از مثال‌های آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیت‌های تازه استفاده شود.
- * افزون بر توضیح و تشریح مطالب به صورت کلامی، تا آنجا که ممکن است از روش‌های دیگر آموزشی نیز استفاده شود.
- * دانش‌آموزان به مشارکت در یادگیری تشویق شوند.
- * پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری کاهش داده شود.
- * همواره دانش‌آموزان از روند یادگیری خود آگاه شوند.
- * به دانش‌آموزان مسائل و تکالیفی ارائه شود که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشد.
- * مطالب درسی تا آنجا که ممکن است به صورت معنادار ارائه شود.
- * تکالیف و سؤالاتی به دانش‌آموزان داده شود که آنها را به تفکر وادارد تا اینکه درس‌ها را طوطی‌وار حفظ نکنند.^{۳۴}



پی‌نوشت‌ها.....

۱. علی اکبر شعاری نژاد، یادداشت‌هایی درباره نظریه‌های انگیزش در آموزش و پرورش، ص ۱۶.
 ۲. چریل. ال اسپالدینگ، انگیزش در کلاس درس، ترجمه محمد رضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد، ص ۳.
 ۳. علی اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، علی اکبر سیف، ص ۳۴۷.
 ۴. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۶۰.
 ۵. روبرت گانیه، شرایط یادگیری و نظریه آموزش، ترجمه نجفی زند، ص ۴۱۱.
 ۶. همان.
 ۷. علی اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۳۶.
 ۸. همان، ص ۳۴۹.
 ۹. رابرت ای اسلاوین، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۳۶۰.
 ۱۰. نیازها و رفتارهای آدمی به عوامل متعددی مانند انگیزه: Motive، علاقه Interes، نیاز Need، ارزش Encourage، ارزش Value، نگرش Attitud و غیره وابستگی دارد. این عوامل از هم جدا نبوده و بر یکدیگر اثرگذارند.
 ۱۱. علی اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۳۷.
 ۱۲. روان‌شناسان انگیزه‌ها را به گونه‌های مختلفی بیان کرده‌اند و به همین جهت دیدگاه‌های بسیار متنوعی درباره عوامل انگیزش ارائه شده است. چنان‌که فروید (Froud)، لیبیدو (Libido)، یا شور زندگی را اساس نیروی جنبش و فعالیت آدمی می‌شناسد. هرمان هسه (Herman Hesse) مفهوم دوگانگی را در نوشته‌ها و آثار خود مهم تلقی می‌کند. گروهی دیگر مانند موری (Murray) و مزلو (Maslow) نیازها را اساس بروز رفتار می‌دانند.
 ۱۳. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۶۵.
14. Griwth Principle.
۱۵. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۶۵.
 ۱۶. همان، ص ۱۷۶.
 ۱۷. رابرت ای اسلاوین، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه سید محمدی، ص ۴۰۵.
 ۱۸. علی اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۵۷.
 ۱۹. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۶۷.
 ۲۰. علی اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۵۸.
 ۲۱. همان، ص ۳۶۲.
 ۲۲. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۶۹.
 ۲۳. علی اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۶۵.
 ۲۴. ولادکوفسکی، شوق یادگیری، ترجمه محمد پناهی، ص ۳۵.
 ۲۵. همان، ص ۳۸.

۲۶. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۸۴.
۲۷. همان، ص ۱۸۶.
۲۸. علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۱۷۰.
۲۹. ولادکوفسکی، شوق یادگیری، ترجمه محمد پناهی، ص ۴۱.
۳۰. یوسف کریمی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۹۴.
۳۱. علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام، ص ۳۸.
۳۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۹۶.
۳۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶.
۳۴. علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، ص ۳۷۷.

منابع

- اسپال‌دینگ، چریل. ال، انگیزش در کلاس درس، محمدرضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، وزارت آموزش و پرورش، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۷.
- اسلاوین، رابرت ای، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه سید محمدی، نشر روان، ۱۳۸۵.
- بیابانگرد، اسماعیل، روان‌شناسی تربیتی، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۸۴.
- پارسا، محمد، انگیزش و هیجان، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵.
- حسینی‌زاده، سیدعلی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- خداپناهی، محمدکریم، انگیزش و هیجان، تهران، سمت، ۱۳۷۶.
- دل‌تایلا، شیوه‌های ایجاد انگیزه در افراد، فرهاد نائینی، تهران، بازگانی، ۱۳۷۷.
- دینک میر، تشویق کودکان به یادگیری، ترجمه رضوانی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۲.
- سید محمدی، یحیی، روان‌شناسی یادگیری، تهران، نشر روان، ۱۳۸۲.
- سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی، تهران، آگاه، ۱۳۸۳.
- کریمی، یوسف، روان‌شناسی تربیتی، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۸۵.
- کلاور. جان ای، روان‌شناسی تربیتی، علینقی خرازی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- گانیه، روبرت، شرایط یادگیری و نظریه آموزش، ترجمه نجفی زند، تهران، رشد، ۱۳۶۸.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی